

# نقش گشودگی به تجربه در پیش‌بینی سبک‌های هویت و تعهد

عباس رحیمی نژاد<sup>۱</sup>

نسترن مرتضایی<sup>۲</sup>

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۳

## چکیده

با توجه به اهمیت ویژگی‌های شخصیتی در تحول سبک‌های هویت، پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش گشودگی به تجربه در پیش‌بینی سبک‌های هویت و تعهد صورت گرفته است. در این راستا از طریق مطالعه همبستگی ۱۱۵ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه تهران به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و زیر مقیاس گشودگی به تجربه از پرسشنامه‌ی شخصیت کاستا و مک کری (NEOPI-R) و مقیاس سبک‌های هویت برزونسکی (ISI-۴) بر روی آن‌ها اجرا شد. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد، بین تخیلات و سبک هویت اطلاعاتی رابطه‌ی منفی معنادار و بین عقاید و سبک هویت اطلاعاتی رابطه‌ی مثبت معنادار برقرار است. همچنین رابطه‌ی منفی معناداری بین نمره‌ی کلی گشودگی به تجربه، عقاید، زیبایی‌شناختی و ارزش‌ها با سبک هویت هنجاری مشاهده شد. علاوه بر این عقاید و زیبایی‌شناختی دارای رابطه‌ی منفی معنادار با سبک هویت سردرگم اجتنابی بود و رابطه‌ی مثبت معناداری نیز بین عقاید و تعهد مشاهده شد. به علاوه نتایج نشان داد، عقاید و احساسات به‌طور مستقیم و تخیلات، به‌طور معکوس تغییرات سبک هویت اطلاعاتی و نمره‌ی کلی گشودگی به تجربه به‌طور معکوس و احساسات به‌طور مستقیم تغییرات سبک هویت هنجاری؛ و تنها عقاید به‌طور معکوس سبک هویت سردرگم اجتنابی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین عقاید به‌طور مستقیم و ارزش‌ها به‌طور معکوس تغییرات تعهد را پیش‌بینی می‌کنند. یافته‌های مطالعه‌ی حاضر بیانگر این نکته است که ویژگی شخصیتی گشودگی به تجربه نقش مهمی را در تحول سبک‌های هویت و تعهد ایفاء می‌کند.

**واژگان کلیدی:** گشودگی به تجربه، سبک‌های هویت، تعهد هویت

۱. دانشیار روانشناسی دانشگاه تهران arahimi@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی (نویسنده مسئول) n.mortezae90@gmail.com

## مقدمه

در نظریه‌های شخصیت دو رویکرد روان‌تحلیل‌گری و تحلیل‌عاملی از رویکردهای قابل توجه تلقی می‌شوند. اریکسون (۱۹۵۶) به‌عنوان یک نو‌فرویدی با ارائه نظریه‌ی تحول من در گستره‌ی عمر، افق جدیدی را در مطالعات شخصیت گشود. اریکسون با طرح مفاهیمی مانند هویت‌یابی در برابر سردرگمی و بحران هویت فضای جدیدی را برای مطالعه تحول شخصیت باز کرد. از سوی دیگر توسعه رویکرد تحلیل‌عاملی در شخصیت با گسترش ساختار سه عامل بزرگ شخصیت آیزنک (۱۹۸۵) در مدل پنج عامل بزرگ کاستا و مک کری، روان‌شناسان را به یک مدل جدید در روان‌شناسی شخصیت دعوت کرد (راینز، جان و پروین، ۲۰۰۸). کاستا و مک کری (۱۹۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "تحول من و مدل صفات شخصیت" دو رویکرد روان‌تحلیل‌گری و صفات بزرگ شخصیت را مقایسه کرده و به نقد دیدگاه لوینجر ارائه شده در سال ۱۹۶۶ پرداخته و این موضوع را که تحول من یک جنبه‌ی مهم شخصیت است را مورد بررسی قرار دادند. در پژوهش حاضر دو دیدگاه پنج عاملی شخصیت و دیدگاه تحول هویت من با یکدیگر در ارتباط گذاشته شده‌اند. در این پژوهش از میان پنج عامل بزرگ شخصیت، رابطه‌ی عامل گشودگی به تجربه و زیرمقیاس‌های آن با موضوع سبک‌های هویت و تعهد مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا دیدگاه نظریه‌ی شخصیت در الگوی هویت مورد بررسی قرار گرفته است. شکل‌گیری هویتی ثابت و منسجم، تکلیف تحولی مهمی در دوران نوجوانی محسوب می‌شود. از دیدگاه اریکسون (۱۹۶۸) همه‌ی نوجوانان به‌طور یکسان این تکلیف را با موفقیت سپری نمی‌کنند. درحالی‌که برخی از نوجوانان به هویتی واضح و منسجم دست پیدا می‌کنند؛ برخی دیگر در سردرگمی هویت باقی می‌مانند (اسمیتس، سوننز، لویکس، دوریز، برزونسکی و گوسنز، ۲۰۰۸). با توجه به اهمیت بررسی هویت‌یابی نوجوانان، روان‌شناسان مختلف با رویکردهای متفاوتی مقوله هویت من را عملیاتی کرده‌اند. به‌طور مشخص دو رویکرد ساختاری مارشیا (۱۹۶۶) و رویکرد فرآیندی برزونسکی (۱۹۸۹) را می‌توان نام برد. ابتدا مارشیا با عملیاتی‌ساختن سازه‌ی هویت اریکسون و با تأکید بر جنبه‌های ساختاری هویت، چهار منزلت هویت را بر اساس دو بعد جستجوگری و تعهد هویت مطرح نمود. در

مدل مارشیا افراد دارای هویت کسب‌شده بحران هویت را با موفقیت سپری نموده و پس از یک دوره جستجوگری نسبت به اهداف خاصی متعهد می‌شوند. افراد برخوردار از منزلت هویت سردرگم هیچگونه بحرانی را تجربه نکرده و همچنین فاقد هرگونه تعهد نسبت به اهداف خاصی هستند. افراد دارای منزلت هویت بحران‌زده در جهت کسب هویت تلاش می‌کنند و هنوز به اهداف معینی احساس تعهد پیدا نکرده‌اند و افراد دارای هویت دنباله‌رو نیز دارای تعهد بدون داشتن تجربه بحران هستند (مارشیا، ۱۹۶۶).

سپس برزونسکی (۱۹۸۹) تحول هویت را به صورت یک فرایند مفهوم‌سازی کرده است. وی بر این اساس، سه سبک هویت<sup>۱</sup> اطلاعاتی<sup>۲</sup>، هنجاری<sup>۳</sup> و سردرگم/اجتنابی<sup>۴</sup> را معرفی می‌نماید. برزونسکی بر این اعتقاد است که جهت‌گیری اطلاعاتی مبتنی بر جستجوی فعالانه و تشریح و ارزیابی اطلاعات مرتبط با خود است. جهت‌گیری هنجاری متمرکز بر قراردادهای، استانداردها و انتظارات درونی شده است. همچنین جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی با اجتناب یا به تعویق انداختن واکنش‌های رفتاری مؤثر در جهت حل مسائل شخصی مشخص می‌شود؛ بطوریکه رفتارها بر اساس عوامل موقعیتی و لحظه‌ای تنظیم می‌شود (برزونسکی، ۱۹۸۹؛ ۲۰۰۳؛ ۲۰۰۴؛ برزونسکی و کاک<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵).

اگرچه بعد تعهد<sup>۶</sup> در مدل مارشیا (۱۹۶۶) جداگانه مورد سنجش قرار نگرفته است، این درحالیست که پژوهش‌های شناختی اجتماعی قابل توجهی نشان می‌دهند که تعهدات فردی ثابت یا خوداطمینانی<sup>۷</sup> در ارتقای کارکرد فردی و بهزیستی روان‌شناختی نقش مهمی ایفاء می‌نماید. در این قسمت به برخی تفاوت‌های موجود در قدرت و وضوح استانداردهای مرتبط به خود، اهداف، عقاید و باورهایی که افراد در مقایسه با دیگران نشان می‌دهند، اشاره می‌گردد (برزونسکی، ۲۰۰۳). برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که قدرت تعهد ارتباط مثبتی با تصمیم‌گیری‌های هشیارانه و روش‌های مقابله مسأله‌مدار و ارتباط منفی با اهمال‌کاری،

- 
1. Identity Style
  2. Informative
  3. Normative
  4. Diffuse - Avoidant
  5. Berzonsky & Kuk
  6. Commitment
  7. Self-certainty

دلیل‌تراشی و جهت‌گیری‌های مبتنی بر دیگری و تمایل به تجربه وحشت پیش از تصمیم‌گیری و کمرویی<sup>۱</sup> عمومی دارد. همچنین لایکس، سوننز و گوسنس (۲۰۰۶) نشان دادند بین تعهد و پنج عامل بزرگ شخصیت در برونگرایی، توافق‌پذیری، وجدان و ثبات هیجانی رابطه وجود دارد.

برخی از محققان بر اهمیت تأثیرات ویژگی‌های شخصیت بر تحول هویت تأکید می‌کنند (گراتوانت، ۱۹۸۷؛ به نقل از فدجوکاف<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). به عقیده‌ی وایت برن<sup>۳</sup> (۱۹۸۶) صفت شخصیتی گشودگی نسبت به پذیرش تجربیات، یکی از مهمترین عوامل تعیین‌کننده‌ی تفاوت‌های فردی در سبک‌های هویت محسوب می‌شود. در این راستا پژوهش‌هایی جهت بررسی رابطه‌ی مدل پنج‌عاملی شخصیت و هویت صورت گرفته است. برای مثال، وایت برن (۱۹۸۶) نشان داده است که دو عامل سن و گشودگی نسبت به تجربیات، انعطاف‌پذیری هویت را به‌طور معناداری پیش‌بینی می‌کند و کلیمسترا، لایکس، گوسنس، تپرز و فرویت (۲۰۱۳) نیز رابطه‌ی پنج عامل بزرگ را با ابعاد هویت بررسی کرده‌اند.

درحقیقت گشودگی به تجربه<sup>۴</sup> بیانگر وسعت، عمق، پیچیدگی و اصیل بودن زندگی تجربی و ذهنی یک فرد است (جان، نیومن و سوتو، ۲۰۰۸). کاستا و مک کری شش مؤلفه از گشودگی به تجربه مبنی بر باز بودن به عقاید<sup>۵</sup>، تخیل<sup>۶</sup>، علائق (اعمال)<sup>۷</sup>، ارزش‌ها<sup>۸</sup>، زیبایی‌شناسی<sup>۹</sup> و احساسات<sup>۱۰</sup> را ارائه نمودند. طبق تعریف کاستا و مک کری (۱۹۹۷) باز بودن به افکار و عقاید جدید نشان‌دهنده‌ی میزان کنجکاوی و باهوشی و میزان پذیرش چالش از جانب افراد است (ساویر<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۱). اشخاص دارای چنین خصوصیتی به دنیای درون و بیرون خود کنجکاو بوده (جان و همکاران، ۲۰۰۸)، از بازی با نظریه‌ها و از حل مسائلی که

1. Self -consciousness
2. Fadjukoff
3. Whitbourne
4. Openness to experience
5. Ideas
6. Fantasy
7. Actions
8. Values
9. Aesthetics
10. Feelings
11. Sawyer

ذهن انسان را به کوشش و امید دارد، لذت می‌برند (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). باز بودن نسبت به تخیلات بیانگر میزان توانایی تصویرسازی‌های ذهنی خوب و ماهرانه‌ی افراد است (ساویر، ۲۰۱۱). چنین افرادی، زندگی تخیلی بسیار فعالی دارند و افکارشان را در راستای تخیلات سازنده و خلاقانه هدایت می‌کنند (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). باز بودن به اعمال و علائق بدیع نشانگر تلاش برای چیزهای جدید و داشتن علایق فراوان است (ساویر، ۲۰۱۱). افرادی با چنین مشخصه‌ای، تمایل دارند در کارهای خویش از روش نسبتاً ثابت و جاافتاده‌ای پیروی نکنند و همچنین سرگرمی‌ها و کارهای ذوقی جدید برای آنان جالب خواهد بود (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). باز بودن به ارزش‌ها، میزان پذیرش ارزش‌های غیر متعارف<sup>۱</sup> و آزاد اندیشی را نشان می‌دهد (ساویر، ۲۰۱۱). افراد دارای چنین صفتی، به آزادمنشی و خالی از تعصب بودن بیش از وفاداری به ایده‌آل‌ها و اصول مورد قبول خود اهمیت می‌دهند (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). باز بودن به علایق زیبایی‌شناختی، بیانگر میزان علاقه‌مندی به هنر و زیبایی‌هاست (ساویر، ۲۰۱۱). اشخاص دارای چنین مشخصه‌ای از نظم و ترتیب خاصی که در هنر و طبیعت می‌بینند، مشعوف می‌شوند (گروسی فرشی، ۱۳۸۰) و نیز باز بودن به احساسات نشان‌دهنده تجربه کردن و ارزش نهادن به احساس است (ساویر، ۲۰۱۱).

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص همبستگی پنج عامل با سبک‌های هویت و تعهد را می‌توان به دو صورت در نظر گرفت. صورت اول این که پنج عامل شخصیت متغیر پیش‌بین و سبک‌های هویت متغیر ملاک، و نگاه دوم عکس نگاه اول. این تفاوت نگاه در بررسی پیشینه کاملاً مشهود است. نویسندگان مقاله‌ی حاضر تلاش کرده‌اند تا در نقل قول‌ها امانت را حفظ کرده و بر اساس دیدگاه پژوهشگران ترتیب متغیرها را حفظ کنند. اما باور نویسندگان مقاله‌ی حاضر این است که با در نظر گرفتن مبنای زیستی برای پنج عامل در گستره‌ی عمر بدیهی است پنج عامل بزرگ به عنوان متغیر پیش‌بین و سبک‌های هویت و تعهد متغیر ملاک در نظر گرفته شود.

بر اساس یافته‌های پژوهشی، افراد با جهت‌گیری اطلاعاتی از سطح گشودگی بالاتری برخوردارند در حالی که افراد دارای جهت‌گیری هنجاری نسبت به اطلاعاتی که ارزش‌ها و

عقاید و خودانگاره‌ی آنان را مورد تهدید قرار دهد، بسته بوده (دوریز، سوننز و بیر، ۲۰۰۴؛ دوریز و سوننز، ۲۰۰۶). در حقیقت سبک هویت اطلاعاتی ارتباط مستقیمی را با گشودگی (دالینگر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵؛ سوننز، دوریز و گوسنز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵؛ مغالو، وفایی و مهرناز، ۱۳۸۷) درون‌نگری و نیاز به شناخت (برزونسکی و سالیوان، ۱۹۹۲) نشان می‌دهد.

در مقابل سبک هویت هنجاری با گشودگی رابطه‌ی منفی (برزونسکی و سالیوان، ۱۹۹۲؛ دالینگر، ۱۹۹۵؛ دوریز و همکاران، ۲۰۰۴؛ دوریز و سوننز، ۲۰۰۶؛ مغالو و همکاران، ۱۳۸۷) و رابطه‌ی مثبتی را با نیاز به بسته‌بودن نشان می‌دهد (دوریز و همکاران، ۲۰۰۴؛ دوریز و سوننز، ۲۰۰۶). در واقع چنین افرادی عمدتاً به موقعیت‌های تصمیم‌گیری با پیروی از تجویزها و انتظارات افراد مهم پاسخ می‌دهند (برزونسکی، ۲۰۰۳؛ دوریز و سوننز، ۲۰۰۶) و متعهد به هنجارها و قراردادهای نهادینه‌شده یا به‌نوعی متعهد به هویت هستند (برزونسکی و کاک، ۲۰۰۰).

از طرفی جهت‌گیری سردرگم اجتنابی که دارای رابطه‌ی منفی‌ای با سبک هویت اطلاعاتی است (برزونسکی و سالیوان، ۱۹۹۲؛ دوریز و همکاران، ۲۰۰۴؛ دوریز و سوننز، ۲۰۰۶) تمایل دارد رابطه‌ی معکوسی نیز با باز بودن نسبت به تجربه برقرار کند (برزونسکی و سالیوان، ۱۹۹۲؛ دوریز و همکاران، ۲۰۰۴؛ دوریز و سوننز، ۲۰۰۶). به‌طوری‌که افراد دارای چنین سبک هویتی، از پرداختن به مسائل مرتبط با هویت اجتناب کرده و اغلب به سردرگمی و عدم اطمینان نسبت به خود پایان می‌دهند (دوریز و سوننز، ۲۰۰۶).

تاکنون پژوهش‌های بسیار اندکی به‌طور خاص به نقش گشودگی به تجربه در پیش‌بینی سبک‌های هویت پرداخته‌اند و لازم به ذکر است که تاکنون مؤلفه‌های آن در پیش‌بینی سبک‌های هویت و به‌ویژه تعهد به هویت با مدل شناختی اجتماعی برزونسکی در ایران مورد بررسی قرار نگرفته‌است. لذا پژوهش حاضر درصدد است رابطه‌ی گشودگی به تجربه و مؤلفه‌های آن را با سبک‌های هویت و تعهد با طرح سؤال‌های زیر مورد بررسی قرار دهد: سؤال اول، رابطه‌ی بین گشودگی به تجربه و مؤلفه‌های آن با سبک‌های هویت و تعهد چگونه

1. Duriez, Soenens & Beyers
2. Dollinger
3. Goossense

است؟ سؤال دوم، میزان سهم گشودگی به تجربه و مؤلفه‌های آن در پیش‌بینی سبک هویت اطلاعاتی چگونه است؟ سؤال سوم، میزان سهم گشودگی به تجربه و مؤلفه‌های آن در پیش‌بینی سبک هویت هنجاری چگونه است؟ سؤال چهارم، میزان سهم گشودگی به تجربه و مؤلفه‌های آن در پیش‌بینی سبک هویت سردرگم اجتنابی چگونه است؟ و سؤال پنجم، میزان سهم گشودگی به تجربه و مؤلفه‌های آن در پیش‌بینی تعهد چگونه است؟

### روش پژوهش

پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه‌ی پژوهش حاضر شامل کلیه‌ی دانشجویان دختر دانشگاه تهران می‌باشد. با توجه به در اختیار نبودن لیست دانشجویان امکان نمونه‌گیری تصادفی ساده وجود نداشت لذا پرسشنامه‌های شخصیت (NEO-PI-R) و سبک هویت (ISI-۴) بر روی ۱۱۵ نفر از دانشجویان دختر دوره‌ی کارشناسی با میانگین سنی ۲۱/۳۰ و (انحراف استاندارد ۲/۵) که ساکن خوابگاه‌های دانشجویی شهر تهران بودند، به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده و اجرا گردید. به این صورت که پس از تشریح اهداف پژوهش، پرسشنامه‌های شخصیت و سبک‌های هویت بدون محدودیت زمانی به دانشجویان ارائه شد تا جهت تکمیل آن اقدام کنند.

### ابزار گردآوری اطلاعات

**سبک‌های هویت ویرایش چهارم (ISI-۴):** مقیاس سبک‌های هویت اسمیتس، سوننز، برزونسکی، لوویکس، گوسنز، کانن و باسما (۲۰۰۹) برای سنجش سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم اجتنابی) و تعهد هویت طراحی شده است. پرسشنامه‌ی مورد نظر متشکل از ۴۸ عبارت است که آزمودنی بایستی هر جمله را طبق یک مقیاس پنج درجه‌ای (بین ۱ تا ۵) درجه‌بندی کند. اسمیتس و همکاران (۲۰۰۹) ضرایب پایایی آزمون-باز آزمون سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم اجتنابی و تعهد را به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۷ و ۰/۸۴ و همچنین همبستگی مقیاس ISI-۴ را با نسخه سوم پرسشنامه سبک هویت (۳- ISI؛ برزونسکی، ۱۹۹۲) و سبک پردازش هویت (IPSQ؛ پیت من، کرپل من، لامک و سالی، ۲۰۰۹) رضایت‌بخش گزارش نموده‌اند. همچنین ضرایب آلفا کرونباخ این ابزار در مطالعه‌ی هنجاریابی رحیمی‌نژاد، یزدانی، امانی و فراهانی (۱۳۸۹) در جمعیت ایرانی، عبارت

بودند از: سبک اطلاعاتی ۰/۷۵، هنجاری ۰/۶۱، سردرگم-اجتنابی ۰/۷۱ و تعهد هویت ۰/۸۴ و پایایی آزمون بازآزمون پرسشنامه به ترتیب معادل ۰/۶۷، ۰/۴۷، ۰/۶۷ و ۰/۷۴ محاسبه شد و الگوی همبستگی سبک‌های هویت و تعهد هویت با منزلت‌های هویت (EOM-EIS-2) نیز حاکی از روایی همگرا و واگرایی مقیاس بود. بطوریکه میزان همبستگی سبک اطلاعاتی با منزلت هویت یافتگی ۰/۵۲، سبک هنجاری با منزلت دنباله روی ۰/۴۲، سبک سردرگم اجتنابی با منزلت سردرگمی ۰/۳۱ و تعهد هویت با منزلت هویت یافتگی ۰/۵۱ محاسبه شد. در پژوهش حاضر نیز ضرایب آلفا کرونباخ برای سبک اطلاعاتی ۰/۸۳، سبک هنجاری ۰/۶۹، سبک سردرگم اجتنابی ۰/۸۱ و تعهد هویت ۰/۸۶ به دست آمد.

**پرسشنامه تجدید نظر شده شخصیت (NEOPI-R): NEOPI-R: ۲۴۰ آیتمی کاستا و مک کری (۱۹۹۲)**، ابزاری برای ارزیابی پنج عامل شخصیت (هرعامل دارای شش وجه با ۴۸ سوال) است. پرسشنامه مذکور دارای دو فرم S، برای گزارش‌های شخصی و R، برای درجه‌بندی‌های مشاهده‌گر است که براساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت (۰ تا ۴) نمره‌گذاری می‌شود که در این پژوهش از آیتم‌های مرتبط با ابعاد گشودگی به تجربه از فرم S پرسشنامه‌ی NEOPI-R شامل تخیل، زیبایی‌شناسی، احساسات، علائق (اعمال)، عقاید و ارزش‌ها استفاده شده است (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). کاستا و مک کری (۱۹۹۲، ۱۹۹۳) همسانی درونی و همچنین اعتبار همگرا و واگرایی قابل توجهی را برای این پرسشنامه گزارش نموده‌اند (جان، نیومن و سوتو، ۲۰۰۸). در پژوهش گروسی فرشی که بر روی نمونه‌ای از دانشجویان ایرانی به انجام رسیده، ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌ها بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷ محاسبه شده است. ضرایب روایی ملاکی این پرسشنامه نیز به وسیله‌ی محاسبه‌ی همبستگی بین دو فرم S و R بین ۰/۴۵ تا ۰/۶۶ به دست آمده است (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ برای گشودگی به تجربه معادل ۰/۸۰ محاسبه شد و ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های تخیل ۰/۷۶، زیبایی‌شناسی ۰/۵۱، احساسات ۰/۶۸، علائق (اعمال) ۰/۵۲، عقاید ۰/۷۰ و ارزش‌ها ۰/۶۱ به دست آمد.





	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۵. تخیلات	-۰/۲۴*	-۰/۱۳	۰/۱۶	-۰/۰۸	۱						
۶. زیبایی‌شناختی	۰/۱۲	-۰/۲۱*	-۰/۲۰*	۰/۱۴	۰/۳۴**	۱					
۷. احساسات	۰/۱۲	-۰/۰۶	-۰/۱۴	۰/۰۹	۰/۴۹**	۰/۵۵**	۱				
۸. علائق	۰/۱۸	-۰/۱۷	-۰/۰۳	۰/۱۴	۰/۰۶	۰/۱۳	۰/۰۶	۱			
۹. عقاید	۰/۳۸**	-۰/۲۲*	-۰/۳۰**	۰/۲۸**	۰/۰۴	۰/۳۶**	۰/۱۰	۰/۳۱**	۱		
۱۰. ارزش‌ها	-۰/۰۳	-۰/۲۶**	-۰/۰۱	-۰/۱۶	۰/۰۲	۰/۱۱*	۰/۰۵	۰/۱۶	۰/۱۹*	۱	
۱۱. گشودگی (کل)	۰/۱۵	-۰/۲۹**	-۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۰۶**	۰/۰۳**	۰/۰۸**	۰/۰۴**	۰/۵۹**	۰/۴۲**	۱

\*\* $P < 0.01$  \* $P < 0.05$

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، بین سبک هویت اطلاعاتی و تخیلات (۰/۲۴-) رابطه‌ی منفی معنادار و با عقاید (۰/۳۸) رابطه‌ی مثبت معنادار مشاهده می‌شود. رابطه‌ی منفی معناداری بین سبک هویت هنجاری و نمره‌ی کلی گشودگی به تجربه (۰/۲۹-)، عقاید (۰/۲۲-)، زیبایی‌شناختی (۰/۲۱-) و ارزش‌ها (۰/۲۶-) برقرار است و نیز سبک هویت سردرگم‌اجتنابی دارای رابطه‌ی منفی معنادار با عقاید (۰/۳۰-) و زیبایی‌شناختی

(۰/۲۰-) می‌باشد. و همچنین رابطه‌ی مثبت معناداری نیز بین تعهد و عقاید (۰/۲۸) مشاهده می‌شود

به‌منظور بررسی میزان سهم گشودگی نسبت به تجربه و مؤلفه‌های آن در پیش‌بینی هر یک از سبک‌های هویت و تعهد از روش تحلیل رگرسیون چند متغیری گام به گام استفاده شد که در جداول شماره ۲، ۳، ۴ و ۵ ارائه شده است. جدول شماره ۲ نتایج آماره‌های تحلیل رگرسیون گام به گام و ضرایب تأثیر متغیرهای پیش‌بین گشودگی نسبت به تجربه و مؤلفه‌های آن بر متغیر ملاک سبک هویت اطلاعاتی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. تحلیل واریانس و آماره‌های تحلیل رگرسیون چند متغیری گشودگی نسبت به تجربه و مؤلفه‌های آن بر سبک هویت اطلاعاتی

مدل	متغیر پیش‌بین	متغیر پراش	SS	Df	MS	F	R	R <sup>2</sup>	B	Beta	T	P
۱	عقاید	رگرسیون	۳۵۳/۰۹	۱	۳/۰۹	۱/۶۷	۰/۳۸	۱۴	۰/۳۷	۰/۳۸	۴/۳۲	۰/۰۰۱
	باقیمانده		۲۱۳۷/۰۳	۱۱۳	۱/۹۱							
	کل		۲۴۹۰/۱۲	۱۱۴								
۲	عقاید	رگرسیون	۵۰۹/۵۴	۲	۲/۷۷	۱/۴۱	۰/۳۸	۲۱	۰/۳۹	۰/۳۸	۴/۵۸	۰/۰۰۱
	تخیلات	باقیمانده	۱۹۸۰/۵۸	۱۱۲	۱/۶۸		۱۴	۰/۲۱	۰/۲۵	۰/۲۵	۲/۹۷	۰/۰۰۴
	کل		۲۴۹۰/۱۲	۱۱۴								
۳	عقاید	رگرسیون	۶۱۴/۷۴	۳	۲/۹۱	۱/۱۳	۰/۳۴	۵۰	۰/۳۵	۰/۳۵	۴/۲۱	۰/۰۰۱
	تخیلات	باقیمانده	۱۸۷۵/۳۸	۱۱۱	۱/۹۰		۲۵	۰/۳۰	۰/۳۷	۰/۳۷	۳/۸۸	۰/۰۰۱
	احساسات	کل	۲۴۹۰/۱۲	۱۱۴					۰/۲۴	۰/۲۴	۲/۵۰	۰/۰۱۴

نتایج به‌دست آمده در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد عقاید، تخیلات و احساسات نقش تعیین‌کننده‌تری را در پیش‌بینی سبک هویت اطلاعاتی دارند و سایر متغیرها از معادله‌ی رگرسیون حذف شدند. در گام اول عقاید ( $R^2=۰/۱۴$ ) می‌تواند ۱۴ درصد از واریانس سبک هویت اطلاعاتی را بطور معناداری پیش‌بینی کند. در گام دوم با ورود تخیلات در معادله‌ی



نتایج مندرج در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد نمره‌ی کلی گشودگی نسبت به تجربه و احساسات نقش تعیین‌کننده‌تری را در پیش‌بینی سبک هنجاری دارند. در گام اول گشودگی بطور کل ( $R^2=۰/۹$ ) می‌تواند ۹ درصد از تغییرات سبک هویت هنجاری را بطور معناداری پیش‌بینی کند. در گام دوم نتایج نشان می‌دهد با ورود احساسات در معادله رگرسیون ضریب تعیین به میزان ۱۲ درصد ( $R^2=۰/۱۲$ ) افزایش پیدا می‌کند که باعث افزایش ۳ درصدی واریانس سبک هویت هنجاری شده است. بنابراین فقط ۳٪ از واریانس سبک هویت هنجاری را احساسات تبیین می‌کند و ۱۲ درصد آن توسط ترکیب خطی دو متغیر گشودگی (کل) و احساسات بطور معناداری پیش‌بینی می‌شود. همچنین طبق ضرایب تأثیر، گشودگی (کل) با بتای ( $\beta=-۰/۲۹$ ) با توجه به آماره‌های T قادر است با ۹۹ درصد اطمینان تغییرات مربوط به سبک هویت هنجاری را بطور معکوس پیش‌بینی کند، یعنی افزایش گشودگی، کاهش سبک هویت هنجاری را به دنبال خواهد داشت و فقط احساسات از بین مؤلفه‌های گشودگی با بتای ( $\beta=۰/۲۵$ ) با توجه به آماره‌های T می‌تواند با ۹۵ درصد اطمینان تغییرات مربوط به سبک هنجاری را به‌طور مستقیم پیش‌بینی کند، یعنی افزایش سطح احساسات باعث افزایش سبک هویت هنجاری خواهد شد.

جدول شماره ۴ نتایج آماره‌های تحلیل رگرسیون گام به گام و ضرایب تأثیر متغیرهای پیش‌بین گشودگی نسبت به تجربه و مؤلفه‌های آن بر متغیر ملاک سبک هویت سردرگم-اجتنابی را نشان می‌دهد.

جدول ۴. تحلیل واریانس و آماره‌های تحلیل رگرسیون چندمتغیری گشودگی نسبت به تجربه و مؤلفه‌های آن بر سبک هویت سردرگم-اجتنابی

مدل	متغیر پیش‌بین	متغیر پراش	پراش	SS	Df	MS	F	R	R <sup>2</sup>	B	Beta	T	P
	رگرسیون		۳۰۸/۰۱	۱	۳۰۸/۰۱	۱۱/۳۶	۰/۳۰	۰/۳۴۰/۰۹	-۰/۳۰	-۰/۳۷	-۰/۳۰	۰/۰۰۱	
۱	عقاید	باقیمانده	۳۰۶۵/۱۶	۱۱۳	۲۷/۱۳								
	کل		۳۳۷۳/۱۷	۱۱۴									

نتایج به‌دست آمده در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد عقاید نقش تعیین‌کننده‌تری را در پیش‌بینی سبک هویت سردرگم-اجتنابی دارند و سایر متغیرها از معادله رگرسیون حذف شده‌اند. نتایج حاکی از آن است که عقاید ( $R^2=۰/۹$ ) می‌تواند ۹ درصد از واریانس سبک

سردرگم- اجتنابی را به‌طور معناداری پیش‌بینی کند. مطابق با مندرجات جدول فوق، عقاید با بتای ( $\beta = -0/30$ ) با توجه به آماره‌های T قادر است با ۹۹ درصد اطمینان تغییرات مربوط به سبک هویت سردرگم- اجتنابی را به‌طور معکوس پیش‌بینی کند، یعنی افزایش سطح عقاید، کاهش سبک هویت سردرگم- اجتنابی را به دنبال خواهد داشت.

جدول شماره ۵ نتایج آماره‌های تحلیل رگرسیون گام به گام و ضرایب تأثیر متغیرهای پیش‌بین گشودگی نسبت به تجربه و مؤلفه‌های آن بر متغیر ملاک تعهد به هویت را نشان می‌دهد.

جدول ۵. تحلیل واریانس و آماره های تحلیل رگرسیون چند متغیری گشودگی نسبت به تجربه و

مؤلفه‌های آن بر تعهد هویت

متغیر پراش	SS	df	MS	F	R	R <sup>2</sup>	B	Beta	T	P	مدل متغیر پیش‌بین
رگرسیون	۴۲۱/۹۳	۱	۴۲۱/۹۳	۹/۳۷	۰/۲۸	۰/۰۸	۰/۴۰	۰/۲۸	۳/۰۶	۰/۰۰۳	۱
باقیمانده	۵۰۸۸/۸۱	۱۱۳	۴۵/۰۳								عقاید
کل	۵۵۱۰/۷۳	۱۱۴									
رگرسیون	۶۷۰/۹۰	۲	۳۳۵/۴۵	۷/۷۶	۰/۳۵	۰/۱۲	۰/۴۸	۰/۳۳	۳/۶۱	۰/۰۰۱	عقاید
باقیمانده	۴۸۳۹/۸۳	۱۱۲	۴۳/۲۱								ارزش‌ها
کل	۵۵۱۰/۷۳	۱۱۴									

نتایج مندرج در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد عقاید و ارزش‌ها نقش تعیین‌کننده‌تری را در پیش‌بینی تعهد هویت دارند و سایر متغیرها از معادله‌ی رگرسیون حذف شده‌اند. در گام اول عقاید ( $R^2 = 0/8$ ) می‌تواند ۸ درصد از واریانس تعهد را بطور معناداری پیش‌بینی کند ( $P < 0/01$ ). در گام دوم با ورود ارزش‌ها در معادله‌ی رگرسیون نتایج نشان می‌دهد ضریب تعیین ۱۲ درصد است که باعث افزایش ۴ درصدی واریانس تعهد شده است. بنابراین فقط ۴٪ از واریانس تعهد را ارزش‌ها تبیین می‌کند و ۱۲ درصد آن توسط ترکیب خطی دو متغیر عقاید و ارزش‌ها بطور معناداری پیش‌بینی می‌شود. همچنین طبق ضرایب تأثیر بدست آمده، عقاید با بتای ( $\beta = 0/28$ ) با توجه به آماره‌های T قادر است با ۹۹ درصد اطمینان تغییرات مربوط به تعهد را به‌طور مستقیم پیش‌بینی کند، یعنی افزایش عقاید، افزایش تعهد را به دنبال

خواهد داشت و ارزش‌ها با بتای ( $\beta = -0.22$ ) با توجه به آماره‌های  $T$  می‌تواند با ۹۵ درصد اطمینان تغییرات مربوط به سبک اطلاعاتی را به‌طور معکوس پیش‌بینی کند، یعنی افزایش گشودگی به ارزش‌ها باعث کاهش تعهد خواهد شد.

### بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف بررسی نقش گشودگی به تجربه در پیش‌بینی سبک‌های هویت و تعهد صورت گرفته‌است. نتایج مربوط به سؤال اول در خصوص همبستگی مرتبه صفر گشودگی به تجربه با سبک‌های هویت و تعهد نشان داد که نمره‌ی کل گشودگی به تجربه فقط با سبک هنجاری رابطه‌ی معنی‌دار منفی داشت. در خصوص رابطه‌ی زیرمقیاس‌های گشودگی به تجربه نتایج زیر به دست آمد: زیرمقیاس عقاید با سبک اطلاعاتی رابطه‌ی مثبت و تخیلات با سبک اطلاعاتی رابطه‌ی منفی داشت. زیرمقیاس‌های ارزش‌ها، عقاید و زیبایی‌شناختی هر سه به‌طور منفی با سبک هنجاری رابطه نشان دادند. زیرمقیاس‌های عقاید و زیبایی‌شناختی با سبک سردرگم اجتنابی نیز برای هر دو رابطه‌ی منفی معنی‌دار را نشان دادند. از میان تمام زیرمقیاس‌های گشودگی به تجربه فقط عقاید با تعهد رابطه‌ی معنی‌دار داشت. برای آنکه بتوان رابطه‌ی خالص متغیرها را مورد بررسی قرار داد، در ادامه نتایج رگرسیون برای پیش‌بینی سبک‌های هویت و تعهد از روی گشودگی به تجربه و زیرمقیاس‌های آن مورد بررسی قرار گرفته‌است.

نتایج مربوط به سؤال دوم مبنی بر پیش‌بینی سبک اطلاعاتی از روی گشودگی به تجربه و زیرمقیاس‌های آن در جدول ۲ نشان داد که فقط عقاید به‌طور مثبت ۱۴ درصد سبک اطلاعاتی و تخیلات به‌صورت منفی ۷ درصد سبک اطلاعاتی و زیرمقیاس احساسات ۴ درصد را پیش‌بینی می‌کند. سه زیرمقیاس عقاید، تخیلات و احساسات در مجموع ۲۵ درصد واریانس سبک اطلاعاتی را پیش‌بینی می‌کند. این یافته حاکی از این است که متغیر عقاید از زیرمجموعه‌ی گشودگی به تجربه که بیشتر جنبه‌ی شناختی دارد بیشترین رابطه‌ی را با سبک اطلاعاتی دارد و اینکه بین سبک اطلاعاتی و تخیلات رابطه‌ی منفی وجود دارد حاکی از محتوای تصویرسازی‌های ذهنی تخیلات است که با پردازش اطلاعات شناختی ناهمخوان است.

جهت تبیین توانایی پیش‌بینی‌کنندگی مستقیم احساسات برای سبک هویت اطلاعاتی بایستی ذکر کرد که افراد برخوردار از جهت‌گیری اطلاعاتی از استقلال عاطفی<sup>۱</sup> و توانایی همدلی با درد و رنج دیگری برخوردارند (برزونسکی، سیسیچ، دوریز و سوننز، ۲۰۱۱)؛ بنابراین بدیهی است که افراد دارای چنین خصوصیتی از ویژگی بازبودن به احساسات و عواطف برخوردار باشند.

نتایج مربوط به سؤال سوم مبنی بر پی‌بینی سبک هنجاری از روی گشودگی به تجربه و زیرمقیاس‌های آن در جدول ۳ نشان داد که نمره‌ی کل گشودگی اولین عامل پیش‌بین است که با ۹ درصد واریانس به صورت منفی سبک هنجاری را پیش‌بینی کرده و متغیر پیش‌بین دوم احساسات است که با ۳ درصد به صورت مثبت سبک هنجاری را پیش‌بینی کرده است. یافته‌های مطالعه‌ی حاضر همخوان با یافته‌های مطالعات پیشین مبنی بر ارتباط معکوس بین گشودگی به تجربیات (کل) و سبک هویت هنجاری است (برزونسکی و سالیوان، ۱۹۹۲؛ دالینگر، ۱۹۹۵؛ دوریز و همکاران، ۲۰۰۴؛ دوریز و سوننز، ۲۰۰۶؛ مغاللو و همکاران، ۱۳۸۷). طبق تعریف کاستا و مک کری (۱۹۹۷) افراد دارای ویژگی گشودگی به افکار و عقاید جدید، کنجکاو و باهوش بوده و همچنین افرادی چالش‌پذیر هستند (ساویر، ۲۰۱۱). این درحالیست که افراد با سبک هویت هنجاری به‌طور خودکار بیشتر اهداف و استانداردهای دیگران و گروه‌های مرجع را اتخاذ کرده و درونی‌سازی می‌کنند (برزونسکی و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین معناداری رابطه‌ی معکوس بین گشودگی به تجربه‌ی کل افراد با جهت‌گیری هنجاری آنان دور از انتظار نیست.

ازسویی احساسات به‌طور مستقیم در پیش‌بینی سبک هویت هنجاری نقش دارد. قابلیت پیش‌بینی‌کنندگی مستقیم احساسات برای سبک هویت هنجاری این‌طور به نظر می‌رسد که، افراد دارای سبک هویت هنجاری بر اساس الگوی برزونسکی، افرادی متعصب هستند که تمایل به توصیف خود، برحسب خوداسنادی جمعی از قبیل مذهب، خانواده و ملیت هستند (برزونسکی و همکاران، ۲۰۱۱). با در نظر گرفتن این نکته، رابطه‌ی بازبودن به احساسات و عواطف با سبک هویت هنجاری نیز تبیین‌پذیر جلوه می‌کند چرا که در فرهنگ‌ها و

1. Emotional autonomy



ملیت‌های شرقی مثل ایران علی‌رغم فرهنگ‌های غربی عواطف و احساسات با ارزش تلقی می‌شود. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که جوانان دارای سبک هویت هنجاری این جوامع نیز می‌بایست تجربه کردن و ارزش‌گذاری برای احساسات و عواطف را همانند افراد مهم زندگی خود ابراز نمایند.

نتایج مربوط به سؤال چهارم مبنی بر پیش‌بینی سبک سردرگم اجتنابی از روی گشودگی به تجربه و زیرمقیاس‌های آن در جدول ۴ حاکی از آن است که فقط متغیر عقاید به صورت منفی با واریانس ۹ درصد تنها متغیر پیش‌بین سبک سردرگم اجتنابی است. جهت تبیین این یافته می‌توان به تعریف جهت‌گیری سردرگم اجتنابی از دیدگاه برزونسکی اشاره نمود. طبق دیدگاه برزونسکی افراد دارای سبک هویت سردرگم اجتنابی تمایل دارند روبه‌رو شدن با تعارضات و مسائل هویتی را به تعویق بیندازند. آنان در موقعیت‌هایی که مجبور به انتخاب هستند رفتارشان تحت تأثیر الزامات بیرونی آنی و لحظه‌ای شکل می‌گیرد. هرچند چنین برونی‌سازی‌های<sup>۱</sup> موقعیتی بجای ایجاد تغییرات بلندمدت در احساسشان از هویت من<sup>۲</sup> باعث پذیرش کوتاه‌مدت عمل انجام شده خواهد شد. همچنین سبک هویت سردرگم-اجتنابی با تعهدات ضعیف، مکان کنترل بیرونی، تکانشگری، خودمعلولی<sup>۳</sup> و منزلت هویت سردرگم ارتباط دارد (برزونسکی و همکاران، ۲۰۱۱). باتوجه به تعریف بازبودن به افکار و عقاید جدید که پیشتر ذکر شد انتظار می‌رود با افزایش جهت‌گیری سردرگم اجتنابی شاهد کاهش گشودگی نسبت به عقاید باشیم.

نتایج مربوط به سؤال پنجم مبنی بر پیش‌بینی تعهد از روی گشودگی به تجربه و زیرمقیاس‌های آن در جدول ۵ حاکی از آن است که متغیر عقاید به صورت مثبت با واریانس ۸ درصد و ارزش‌ها متغیر پیش‌بین دوم به صورت منفی با ۴ درصد واریانس تعهد را پیش‌بینی کرده است. علت احتمالی رابطه‌ی عقاید با تعهد را می‌توان در همبستگی مستقیم بین تعهد و سبک هویت اطلاعاتی جستجو نمود. همان‌طوری که برزونسکی هم به این امر اشاره

- 
1. Accommodation
  2. Self-identity
  3. Self-handicapping

داشته‌است و معتقد است سبک اطلاعاتی با سطح تعهدات بالا و منزلت هویت کسب‌شده رابطه دارد (برزونسکی و همکاران، ۲۰۱۱).

علاوه بر این در تبیین پیش‌بینی‌کنندگی مستقیم عقاید و همچنین پیش‌بینی‌کنندگی معکوس ارزش‌ها برای تعهد به هویت شاید بتوان به عامل جنسیت نیز اشاره داشت. آزمودنی‌های شرکت‌کننده در پژوهش حاضر دختران دانشجو بودند و نتایج تحقیقات گذشته هم نشان می‌دهد که دختران کمتر از پسران از سبک هویت اطلاعاتی استفاده می‌کنند و همچنین در منزلت هویت پیش‌رس نمرات بالاتری نسبت به پسران دریافت می‌کنند (بیرامی، ۱۳۸۹).

ذکر این نکته نیز لازم است که جوامع، هویت دختران را نه تنها بر پایه‌ی استقلال شخصی بلکه بر همکاری و صمیمیت و مراقبت از دیگران شکل می‌دهد بنابراین منطقی است که زنان گرچه نسبت به عقاید جدید کنجکاو بوده اما در ارزش‌ها کاملاً باز نبوده و سعی دارند بنا بر جنسیت خود حتی الامکان به ارزش‌های متعارف‌تری متعهد باشند تا با افراد مهم در زندگی خود تا حدودی هم‌نوایی کرده باشند.

لازم به ذکر است که عقاید تنها نشانگر لذت‌بردن افراد از مسائل نظری و انتزاعی است، این در حالی است که در ارزش‌ها فرد عملاً بایستی اصول خاصی را بپذیرد و دختران دانشجو از آن جهت که هنوز تحت حمایت والدین بوده و به لحاظ عاطفی و اقتصادی به استقلال دست نیافته‌اند طبیعی است که به ایده‌آل‌ها و اصول والدین پایبند باشند. طبق این توصیف‌ها انتظار می‌رود که عقاید به احتمال زیاد به‌طور مستقیم و ارزش‌ها به‌طور معکوس در پیش‌بینی تعهد به هویت سهم داشته‌باشد. به‌طور کلی یافته‌های مطالعه‌ی حاضر بیانگر این نکته است که ویژگی شخصیتی گشودگی به تجربه نقش مهمی را در تحول هریک از سبک‌های هویت و تعهد به هویت ایفاء می‌کند.

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر را زنان دانشجو تشکیل می‌داد؛ لذا محدودیت‌هایی را برای تبیین یافته‌ها و تعمیم نتایج به مردان مطرح نموده و پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده معطوف به مردان نیز شود. همچنین پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود که در آن متغیرها بدون این که دستکاری یا کنترل شوند، قبلاً اثر خود را بر جای گذاشتند، بنابراین تبیین

علی روابط مشاهده‌شده بین متغیرها وجود نداشت و علاوه بر این ممکن است سایر عوامل در روابط این متغیرها دخیل بوده باشد، پس لازم است متغیرها و عوامل دیگری از جمله عوامل محیطی و همچنین متغیرهای شخصیتی گوناگون با میزان تحول سبک هویت و تعهد به هویت مورد بررسی قرار گیرد.

در خصوص ارائه رهنمودهای برگرفته از نتایج پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. از آنجا که خانواده نقش مهمی در ایجاد شرایط مساعد جهت رشد شخصیت و هویت ایفاء می‌کند، دستگاه تعلیم و تربیت و نظام آموزشی جامعه باید در جهت ارائه آگاهی به والدین اقدام نمایند. برنامه‌های آموزش خانواده و مشاوره باید به منظور تقویت تفکر و مهارت‌های حل مسأله در جهت سبک اطلاعاتی پردازش هویت در دوره نوجوانی بر لزوم همراهی و پذیرش نوجوان و همچنین رعایت معیارها و قوانین منطقی در خانواده، و حمایت از استقلال و آزادی ابراز عقاید و تفکرات نقادانه، به‌علاوه شناخت احساسات و عواطف نوجوان و ارج نهادن این احساسات از سوی والدین بیش از مهار تأکید گردد.

## منابع

- بیرامی، منصور. (۱۳۸۹). مقایسه سبک‌های هویت، انواع هویت در دانشجویان دختر و پسر. فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز، ۵(۲۰): ۲۸-۴۶.
- رحیمی نژاد، ع؛ یزدانی ورزنده، م. ج؛ امانی، ح و فراهانی، ح. (۱۳۸۹). بررسی ویژگی‌های سنجشی نسخه چهارم پرسشنامه سبک‌های هویت. (۴-ISI). مجله علوم روان‌شناختی، ۹(۳۶): ۴۰۵-۴۱۸.
- گروسی فرشی، میرتقی. (۱۳۸۰). رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت (کاربرد تحلیل عاملی در مطالعات شخصیت). تبریز: انتشارات جامعه پژوه.
- مغانلو، م؛ وفایی، م و مهرناز، ش. (۱۳۸۷). رابطه عوامل مدل پنج عاملی شخصیت و سبک‌های هویت. فصلنامه‌ی پژوهش‌های روان‌شناختی، ۱۱(۲-۱): ۷۹-۹۴.

Berzonsky, M. D. Cieciuch, J. Duriez, B. & Soenens, B. (2011). The how and what of identity formation: associations between identity styles and value orientations. *Personality and Differences*, 50: 295-299.

- Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, 4:268-282.
- Berzonsky, M. D. & Sallivan, C. (1992). Social-Cognitive aspects of identity style: Need for cognition, experiential openness, and introspection. *Journal of Adolescent Research*, 7(2): 140-155.
- Berzonsky, M. D. & Kuk, L. S. (2005). Identity style, Psychological maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences*, 39: 235-247.
- Berzonsky, M. D. & Kuk, L. S. (2000). Identity status, identity processing style, and the transition to university. *Journal of Adolescent Research*, 15(1): 81-98.
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? Identity: International. *Journal of Theory and Research*, 3(2):131-142.
- Berzonsky, M. D. (2004). Identity processing style, self-construction, and personal epistemic assumption: A social-cognitive perspective. *European Journal of Developmental Psychology*, 1(4): 303-315.
- Berzonsky, M. D. (2004). Identity styles, parental authority, and identity commitment. *Journal of Youth and Adolescence*. 33(3):213-220.
- Costa, P. T. & McCrae, R. R. (1992). Four ways five factors are basic. *Personality and Individual Differences*, 13(6): 653-665.
- Costa, P. T. & McCrae, R. R. (1993). Ego development and trait models of personality. *Psychological Inquiry*, 4(1), 20-23.
- Costa, J.R. Paul, T. & McCrae, R. R. (1997). *Longitudinal Stability of Adult Personality*. Ch-11- in Hogan, R. (1997). Handbook of personality psychology. Elsevier.
- Dollinger, S. M. C. (1995). Identity styles and the five-factor model of personality. *Journal of research in personality*, 29: 475-479.
- Duriez, B. Soenens, B. & Beyers, W. (2004). Personality, identity styles, religiosity: an integrative study among late adolescents in Flanders (Belgium). *Journal of personality*, 72(5): 876-908.
- Duriez, B. & Soenens, B. (2006). Personality, identity styles and authoritarianism: An integrative study among late adolescents. *European Journal of Personality*, 20: 397-417.
- Eysenck, H. J. & Eysenck, M. W. (1985). *Personality and individual differences: A natural science approach*. Plenum Press.
- Fadjukoff, P. (2007). Identity formation in adulthood. Finland, Jyvaskyla: University of Jyvaskyla.
- John, O. P. Naumann, L. P. & Soto, C. J. (2008). *Paradigm shift to the integrative BIG Five Trait Taxonomy: History, Measurement, Conceptual, Issues*. In: John O.P. Robins R.W & Pervin L. A. Handbook of personality: Theory and Research. Third edition, New York press, p. 114-158.

- Klimstra, T. A. Luyckx, K. Goossens, L. Teppers, E. & De Fruyt, F. (2013). Associations of identity dimensions with Big Five personality domains and facets. *European Journal of Personality*, 27(3), 213-221.
- Luyckx, K. Soenens, B. & Goossens, L. (2006). The personality identity interplay in emerging adult women: convergent findings complementary. *European Journal of Personality*, 20(3): 195-215.
- Marcia, James. E. (1966). Development and validation of ego-identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3(5): 551- 558.
- Robins, R. W. John, O. P. & Pervin, L. A. (2008). *Handbook of personality: Theory and research*. The Guilford Press.
- Sawyer, R. K. (2011). *Explaining creativity: The science of human innovation*. Oxford: Oxford University.
- Soenens, B. Duriez, B. & Goossens, L. (2005). Social-psychological profiles of identity styles: Attitudinal and social-cognitive correlates in late adolescence. *Journal of Adolescence*, 28, 107-125.
- Smits, I. Soenens, B. Berzonsky, MD. Luyckx, K. Goossens, L. Kunnen, S. & Bosma, H. (2009). The identity style inventory° version 4: a cross-national study in scaled development and validation. In Unpublished manuscript. In identity styles in adolescents: Measurement and associations with perceived parenting, personal well-being, and interpersonal functioning. Tesis of doctoral, Belgium, katholieke university of lueven, faculty of psychology, 57-105.
- Smits, I. Soenens, B. Luyckx, K. Duriez, B. Berzonsky, M.D. & Goossens, L. (2008). Perceived parenting dimensions and identity styles: exploring the socialization of adolescents processing of identity ° relevant information. *Journal of Adolescence*, 31: 151- 164.
- Whitbourne, S. K. (1986). Openness to experience, identity flexibility, and life change in adults. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50(1): 163-168.